



اشاره

همان گونه که در شماره پیشین اشاره کردیم «اصلاح الگوی مصرف» از توصیه‌های جدی دین مقدس اسلام است. متأسفانه برخلاف آن همه سفارشهایی که از سوی قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام درباره مسئله میانه‌روی در مصرف و پرهیز از اسراف و ریخت و پاش شده است، جامعه ما تا رسیدن به آن نقطه ایده‌آل در مصرف - که اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط باشد - فاصله زیادی دارد.

اصلاح الگوی مصرف، به فرهنگ‌سازی درباره چگونگی مصرف نیازمند است. و فرهنگ‌سازی در این باره نیز نیاز به تلاش پیگیر از سوی همه مسئولان و دست‌اندرکاران کارهای فرهنگی دارد، تا در بستر گذر زمان، راه رسیدن به قله اعتدال را هموار سازند.

نمونه‌ای از این فرهنگ‌سازی در سیره عملی و گفتاری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مشاهده می‌شود

آنها پول صرف می‌کنیم. عاداتهای ما، ستهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف.^۱

«ما در زمینه مصرف، در زمینه هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله خود ما و به وسیله همه برادران هم میهن ما، به وسیله مسئولان کشور با زحمت زیاد به وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم.»^۲

نوشتار حاضر که ادامه نوشتار پیشین است به ابعاد دیگری از مسئله

که هم در زندگی شخصی و هم در سخنان خویش، الگویی از یک مصرف درست و همراه قناعت و ساده‌زیستی را ارائه کرده است. از سخنان ایشان درباره ضرورت «اصلاح الگوی مصرف» این است:

«لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزیهایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی

صورت می‌گیرد، تجمل‌گراییها، چشم و هم‌چشمیها، هوسرانی افراد خانواده،

زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای

غیر لازم خریدن، اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل

آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه، اینها چیزهایی است که ما برای

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری، در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۸۸/۱/۱ ش.

۲. پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸ ش، ۱۳۸۸/۱/۱ ش.

مهم «اصلاح الگوی مصرف» می‌پردازد.

موانع اصلاح الگوی مصرف ۱. اسراف

برای اصلاح الگوی مصرف، پیش از هر چیز باید از اسراف به دور بود. جامعه اسرافکار نه تنها هرگز برای اصلاح الگوی مصرف توفیق نخواهد یافت؛ بلکه همواره در معرض تهیدستی و فقر مادی و فرهنگی قرار دارد. از دعاهای امام سجاد علیه السلام این بوده است: «وَأَمْتَعِنِي مِنَ السَّرْفِ، وَ حَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَ وَقِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرَّةِ فِيهِ، وَ أَصِيبِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ»^۱ و مرا از زیاده‌روی و اسراف باز دار، و روزی‌ام را از تلف شدن محافظت کن، و دارایی‌ام را با برکت دادن به آن افزون فرما و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان.

با تأملی اندک درباره اسراف، در می‌یابیم که اسراف، مصرف بی‌ادبانه نعمتهای خداوند است.

آن‌که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می‌بیند، هیچ‌گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت. او پاسخ احسان را با احسان می‌دهد و با میانه‌روی و قدردانی نعمتها و پرهیز از اسراف و تبذیر، دستهای مادی و معنوی روزی‌ساز را به گرمی می‌فشارد. شخص اسرافکار، با آفریدگار جهان سرگران است و نعمتهای او را عملاً و با اسرافکاری و ریخت و پاش به بازی می‌گیرد؛ بی‌خبر از آنکه میانه‌روی رمز پایایی، مانایی و افزایش نعمتها و اسراف عامل کاهش و نابودی نعمتهاست. این حقیقت از احادیث زیر استفاده می‌شود: امام علی علیه السلام فرمودند: «الْقَصْدُ مَشْرَاةٌ وَ السَّرْفُ مَثْوَاةٌ»^۲ میانه‌روی،

۲. الحیاء، محمد رضا، محمد و علی حکیمی،

ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش، ج ۴، ص ۳۱۴.

۱. صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

نمی‌شود. کار سبب می‌شود که شخص نسبت به دیگران اولویتی نسبت به آن شیء پیدا کند. در اثر این اولویت است که حق دارد استفاده مشروع -- یعنی استفاده‌ای که با هدفهای طبیعت و فطرت هماهنگ باشد -- ببرد؛ اما حق ندارد آن را معدوم کند و از بین ببرد یا استفاده نامشروع از آن ببرد؛ چون در عین حال، این مال به جامعه تعلق دارد. اسراف و تبذیر و هر گونه استفاده نامشروع، از آن جهت جایز نیست که تصرف در حق غیر است بدون مجوز. انسان، خودش محصول اجتماع است. او خودش واجب الوجود بالذات نیست، فردی است قائم به اجتماع که اجتماع در نیروهای علمی و فکری و بدنی او دخیل است؛ پس آن قوا، تنها مال خودش نیست؛ بلکه اجتماع در آنها ذی‌حق است. از اینرو حق اسراف ندارد.^۲

افزاینده ثروت است و اسراف، نابود کننده آن.»

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَقْتَصَدَ وَ قَنَعَ بِقِيَّتِ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ وَ مَنْ بَدَّرَ وَ أَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ؛^۱ هر که میان‌رو و قانع باشد، نعمت در دست او باقی می‌ماند و هر کس به تبذیر و اسراف روی آورد، نعمت از او زایل می‌شود.»

نکته دیگر درباره اسراف این‌که اسراف، دهن کجی و بی‌حرمتی به افراد جامعه نیز است؛ چرا که هر نعمتی را که انسان هدر می‌دهد، برای فراهم آمدن آن نعمت، افزون بر عوامل طبیعی همانند: آب، خاک، خورشید و ...، عوامل انسانی نیز در خدمت او بوده‌اند.

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری: «مواد خام اولی، قبل از انجام کار به همه تعلق داشته است، بعد از انجام کار تعلقش به دیگران سلب

۱. تحف العقول، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، ترجمه و تحقیق: صادق حسن زاده، آل علی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش، ص ۷۴۷.

۲. نظری به نظام اقتصادی اسلام، شهید مطهری، صدرا، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

پیروانشان، آنان را از هدر دادن بیهوده اموالشان بازداشته، به مراقبت از داراییهایشان توصیه کردند؛ برای مثال امام رضا علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ؛^۲ همانا خداوند از قیل و قال، و از تباه کردن مال و از افزونی سؤال (زیاد درخواست و تقاضا کردن) بیزار است.»

امام علی علیه السلام می فرماید: «مِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ؛^۳ تباه کردن زاد (مال) از (مصادیق) فساد است.» همچنین در حدیثی از امام رضا علیه السلام می خوانیم: «مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الدَّرْهِمِ وَ الدِّينَارِ وَ طَرْحُ النَّوَى؛^۴ تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پول دیگر و دور افکندن هسته خرما از مصادیق فساد، [و نادرست] است. همچنین از امام صادق علیه السلام که می فرماید: «إِنَّ مِنَ الْإِسْرَافِ هِرَاقَةَ فُضْلِ

آن که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می بیند، هیچ گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت

۲. هدر دان و تلف کردن مال

همان گونه که پیش تر اشاره شد،

امام سجاد علیه السلام از خداوند می خواهد که در کنار بازداشتن وی از اسراف، اموالش را نیز از تلف شدن مصون دارد: «...وَ حَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ؛^۱ رزق مرا از تلف، مصون بدار.»

در حقیقت، اصلاح الگوی مصرف، با هدر دادن و تلف کردن مال، ناممکن است. اهل بیت علیهم السلام در راستای سامان دادن به مصرف

۲. تحف العقول، ص ۸۰۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دار الحدیث،

قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۲۴۲۲.

۱. صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

الدَّارَ؛^۲ آدمی پس از خود چیزی بر جای نمی‌گذارد که برای او سخت‌تر از مال صامت (بیکار) باشد. (راوی حدیث) می‌گوید: پرسیدم، یعنی چه می‌کند؟ فرمود: آن مال را درون دیوار و باغ و خانه می‌گذارد (و به کسی نمی‌دهد و به کاری نمی‌زند).»

حدیث زیر از امام علی علیه السلام نیز در هشدار به آنان که سرمایه خویش را راکد گذاشته‌اند و بهره‌ای از آن نمی‌برند، شنیدنی است: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛^۳ هر کس زمین و آب بیابد، (و نکوشد و کشت نکند) و نیازمند و فقیر شود، از رحمت خدا دور باد.»

با آب و زمین عذر زده‌هقان نپذیرند تقصیر مکن! دانه خرد را شجری کن^۴

۳. تجمل پوستی

آن را که دیبه^۵ هنر و علم در بر است فرش سرای او چه غم ارزان که بوریاست

۲. همان، ص ۶۹.

۳. الحیاء، ج ۴، ص ۴۹۳.

۴. پروین اعتصامی.

۵. دیبا.

الْبَاءِ وَابْتِدَالَ ثَوْبِ الصُّونِ وَانْقَاءَ النَّوَى؛^۱ از مصادیق اسراف، ریختن آن‌چه در ظرف، اضافی آمده، پوشیدن لباس میهمانی در منزل و دور انداختن هسته خرماست (البته در جایی که امکان استفاده از آن هست).»

ناصر خسرو چه زیبا سروده است:

تخم دادی مرا که کشت کنم
نفکنم تخم به شورشستان

نکته آخر در این باره آنکه در

توصیه‌های اقتصادی اسلام، از راکد نگه داشتن اموال، نهی شده است، که این مسئله خود می‌تواند در حکم هدر دادن داراییها باشد؛ چرا که عملاً هیچ استفاده‌ای از چنین مالی نمی‌شود، و ثمره‌ای در رونق اقتصادی شخص نیز ندارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا يُخْلَفُ

الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ قَالَ (راوی حدیث) قُلْتُ لَهُ كَيْفَ

يَصْنَعُ قَالَ يَضَعُهُ فِي الْحَائِطِ وَ الْبُسْتَانِ وَ

۱. الکافی، کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران،

۱۳۶۷، چاپ سوم، ج ۶، ص ۴۶۰.

ندوزند؛ مبادا شوق به تجمل پرستی در جان آنها شعله زند و آنها را به سوی تشریفات، سوق دهد.

در این باره در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ «و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود را مدوز، و [بدان که] روزی پرودگار تو بهتر و پایدارتر است.»

در آیه دیگری در این باره می‌خوانیم: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛^۱ «چشم مدوز به آنچه ما دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم، و برایشان اندوه مخور، و بال خویش را برای مؤمنان فرو گستر.»

در حقیقت، اصلاح الگوی مصرف، با هدر دادن و تلف کردن مال، ناممکن است. اهل بیت علیهم‌السلام در راستای سامان دادن به مصرف پیروانشان، آنان را از هدر دادن بیهوده اموالشان بازداشته، به مراقبت از داراییهایشان توصیه کردند

تجمل‌پرستی و روی آوردن به تشریفات، یکی از موانع جدی بر سر راه اصلاح الگوی مصرف است. تجمل‌پرستی، آتشی بر هیضم مصرف است که حاصل آن چیزی جز بازماندن از تولید و پیشرفتهای اقتصادی نیست.

قرآن کریم در راستای فرهنگ‌سازی برای درست مصرف کردن و ایمن کردن مسلمانان از فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات، به پیروانش دستور می‌دهد که دیدگان خود را به ثروت اشرف و زراندوزان

۱. طه/۱۳۱.

۲. حجر/۸۸.

بی‌گمان، سادگی، زهد و پرهیز از زرق و برق و تجملات و جلوه‌های فریبنده دنیوی، یکی از بارزترین ویژگی‌های رهبران مکاتب آسمانی به‌ویژه اسلام است. این مسئله، افزون بر آنکه یکی از عوامل محبوبیت این رهبران الهی در دل‌های مردم بوده است، همواره به عنوان یکی از عوامل سامان بخش به اقتصاد مردم نیز به شمار می‌آمده است.

شهید مطهری علیه السلام درباره ساده‌زیستی و لزوم پرهیز از تشریفات و تجملات و نقش آن در پیشرفت‌های اقتصادی می‌نویسد: «ما در شرح حال رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: کان رسول الله خفیف المؤمنة. اولین چیزی که در سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد این است که مردی بود سبک خرج، لباس و خوراکش و همچنین در نشست و برخاست و مسافرت، بسیار ساده بود.»^۱

اساساً مؤمن از نگاه اسلام، کم‌مصرف و پربازده است، و یکی از رازهای پیشرفت‌های اقتصادی یک جامعه را نیز باید در همین ویژگی یاد شده جستجو کرد. به تعبیر استاد شهید مطهری علیه السلام: «میان کم برداشت کردن و کم مصرف کردن از یک طرف و زیاد بازدهی از طرف دیگر رابطه‌ای موجود است؛ بازدهی‌های انسانی انسان چه در بخش عاطفه و اخلاق، و چه در قسمت تعاونی‌ها و همکاری‌های اجتماعی و چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شرافت و حیثیت انسانی و چه از نظر عروج و صعود روحی، همه و همه رابطه معکوس دارند با برداشتها و برخورداری‌های مادی. انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم و اسراف در لذات، او را از آنچه هنر و کمال انسانی نامیده می‌شود، ضعیف‌تر و بی‌بارتر می‌سازد.»^۲

۱. احیای تفکر اسلامی، شهید مطهری، صدرا، تهران، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۲.

۲. سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، صدرا، تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۴. مدگرایی

مدگرایی و مدپرستی، مانعی جدی بر سر راه اصلاح الگوی مصرف است. ذهن انسان بر اثر درگیر شدن با مدپرستی، از اندیشه‌های پیش برنده به ویژه در زمینه‌های اقتصادی باز خواهد ماند، و هر روز دریچه‌ای جدید از مصرف‌گرایی به سوی انسان گشوده خواهد شد. امروزه مد به یکی از مغضلات فرهنگی جامعه دینی ما تبدیل شده است. شکلهای مختلف از کشورهای غربی به سرعت وارد جامعه می‌شود و برخی گروههای جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان با شور و شوق خاصی آن را می‌پذیرند. دامنه گسترش این حرکت به گونه‌ای است که همه جنبه‌های زندگی افراد از رنگ لباس گرفته تا بلند و کوتاه کردن مو، گفتگوی روزانه و حتی سبک زندگی را در بر می‌گیرد. «مد فرهنگ نیست. تبی است که امروز اوج گرفته و فردا فرو می‌نشیند. بزرگ‌ترین دشمن فرهنگ، مد است که باعث از بین رفتن ارزشهای واقعی فرهنگ جامعه می‌گردد. هر قدر مدیریتهای

فرهنگی جوامع بشری پیرامون این موضوع حساس؛ یعنی تضاد مدگرایی با فرهنگ اصیل پویا و هدفدار، تحقیقات لازم و کافی و اقدامات به موقع انجام دهند، بشریت را بیش‌تر از مهلک‌ترین بلای خوشایند به نام مدگرایی نجات خواهند داد.»^۱

«بی‌گمان هر گاه مد، حالت جلوه‌گری پیدا کند نابرابری اجتماعی را بیش‌تر به نمایش می‌گذارد، و به اختلافهای طبقاتی و رکود اقتصادی دامن خواهد زد؛ چرا که اشراف تلاش خواهند کرد با لباسهای گران قیمت و متنوع خود، که در هر مجلسی یکی را به تن می‌کنند، و با ایجاد تغییر در نوع خانه، مدل اتومبیل، سبک زندگی، پوشاک و آرایش، مال و دارایی خود را به رخ دیگران بکشند و وضع مادی خود را به دیگران اعلام و تحمیل کنند؛ اما بیچاره عوام الناس و طبقه متوسط مردم! که سرگردان به دنبال

۱. مبانی جامعه‌شناسی، علی باقی نصرآبادی،

یاقوت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۲۱.

قرآن کریم در راستای فرهنگ سازی برای درست مصرف کردن و ایمن کردن مسلمانان از فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات، به پیروانش دستور می دهد که دیدگان خود را به ثروت اشراف و زراندوزان ندوزند؛ مبادا شوق به تجمل پرستی در جان آنها شعله زند و آنها را به سوی تشریفات، سوق دهد

البته برای رهانیدن جامعه از آفت مدگرایی و تعدیل مصرف بر اثر تعدیل مدگرایی، پیش از هر چیز باید به ریشه های مدگرایی توجه کرد و با پرورش فرهنگ و روح خود باوری و اعتماد به نفس در جامعه، آن خلأ معنوی و کمبود روحی را - که از

این طبقه می دوند، و در واقع از طریق مد در دست آنان اسیرند؛ بدین ترتیب که قشر مرفه و بی درد جامعه دائماً برای خودنمایی، خود را از شکل معمول جماعت خارج می کند و با انتخاب یک مد تازه، نظر دیگران را به سوی خود جلب می نماید، توده عوام نیز به شوق تشبه به اشراف، به همان مد تازه هجوم می آورد، و در نتیجه آن مد تازه به سرعت، همگانی می شود و درست به همین دلیل برای اشراف، بی خاصیت می شود؛ چون آنها دنبال چیزی هستند که آنان را از دیگران جدا کند. بنابراین بلافاصله دنبال یک مد تازه می روند، و عوام که هنوز از عهده خرج مد قبلی برنیامده اند، خود را در میدان جاذبه یک مد دیگر می بینند، و باز دوباره به دنبال سلیقه قشر مرفه و ثروتمند می روند.^۱

۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹ ش، ص ۴۶.

مدهایی که ساخته و پرداخته کشورهای بیگانه و استعمارگر و به انگیزه تخریب روح معنوی و دینی جامعه ما است.

در مقابل، آن دسته از مدهایی که مصداق نوآوری و حاصل ابتکار در عمل، و هماهنگ با ارزشهای ملی - مذهبی کشور است، افزون بر آنکه ارزشمند و تحسین برانگیز خواهند بود، از پویایی و شادابی جامعه خبر می‌دهند. این نوع مدها در ابتدا براساس علاقه و انتخاب خود مردم پدید می‌آید. سپس به صورت عادت در می‌آید، و هر اندازه که با باورهای سنتی، فرهنگی و دینی جامعه همسویی داشته باشد، سریع‌تر جای خود را میان مردم باز می‌کند، و به نماد فرهنگی تبدیل می‌شود؛ برای مثال، چادر مشکی، ابتدا در جامعه به صورت مد رواج پیدا کرد و پس از اندک زمانی با پذیرش عمومی به نماد ارزشمند فرهنگی تبدیل و ماندگار شد.

عوامل اصلی مدپرستی است - برطرف کرد. بدین گونه می‌توان زمینه‌های افراطی مدپرستی را از بین برد.

«در حقیقت عقده‌های روحی، میل به انگشت نما شدن، تفاخر و اعلام میزان مال و ثروت، از ریشه‌های روانی مدپرستی است. در جامعه‌ای که باران پاک معنویت، آرایش برتری طلبی و خود کم‌بینی را از دل مردم پاک نکرده باشد، همه سعی می‌کنند با گرایش به مد، خود را گرانقدر و بالا و برتر نشان دهند.»^۱

نکته:

مد و مدگرایی، فی‌نفسه، مسئله‌ای ناهنجار و مذموم نیست. مدگرایی، هم می‌تواند شکل مثبت و پیش برنده‌ای پیدا کند، و هم می‌تواند منفی و باز دارنده باشد. بی‌گمان اگر مد، با هنجارها و ارزشهای دینی جامعه در تضاد باشد، و جز ایستایی فرهنگی و اقتصادی ثمره‌ای دیگر نداشته باشد، ضد ارزش به شمار می‌آید؛ همانند

باشد نه از جنس خارجه؛ و نه منحصر به ثروتمندان و نه بلای جان بی‌ثروتان و عامل ایجاد رشک و حسادت.^۲

۵. الگوپذیری نادرست از بیگانگان از اصول تأکید شده در آموزه‌های دینی، پرهیز از الگو قرار دادن بیگانگان و به ویژه دشمنان جامعه اسلامی است. امام باقر علیه السلام در حدیثی زیبا می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تُشَاكِلُوا بِنَا شَاكِلَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي»^۳ خداوند به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنها ظاهر نشوند که در این صورت، همانند آنها، دشمن من خواهند بود.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره می‌فرماید: «بند به مد موافقم. جزو آدمهایی هستم که به مد گرایش دارم؛ اما مدی که از داخل جوشیده باشد؛ چون مد یعنی ابتکار و نوآوری، نه چیزی که از بیرون بیاید، متأسفانه مد آرایش مو و لباس و حرف زدن ما همه‌اش دارد از بیرون می‌آید. اگر کسی توی بحر این کارها برود، می‌بیند چقدر سرمایه و فکر و همت و هنر دارد صرف اینها می‌شود که گاهی بسیاری از آنها بیهوده است.»^۱

بی‌گمان اگر مد و مدگرایی تعدیل شده با فرهنگ دینی و ملی ما هماهنگ باشد، می‌تواند از عوامل زایش و گردش ثروت نیز به شمار آید، به تعبیر حاج مهدیقلی هدایت: «مد نیز می‌تواند وسیله انتشار ثروت باشد؛ در صورتی که از متاع داخله

۲. خاطرات و خطرات، حاج مهدیقلی هدایت،

زوار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۹۲.

۳. جامع الاحادیث، آیت الله بروجردی، ناشر:

مؤلف، قم، ۱۳۷۲ ش، ج ۲۳، ص ۲۷۶.

۱. نکته‌های ناب (گزیده بیانات مقام معظم

رهبری)، تدوین و تنظیم: حسن قدوسی زاده،

معارف، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش، ص ۹۶.

تَشْبَهُ بِقَوْمٍ فَهَوَ مِنْهُمْ؛^۲ شکل و هیئت لباس پوشیدنها [و مدهای مصرفی] به یکدیگر همانند نمی‌شود؛ جز آنکه خُلق و خواها به هم نزدیک شود؛ و هر کس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می‌رود.»

ادامه دارد...

«الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه‌های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می‌رساند؛ از جنبه اقتصادی، این کار، بیش‌تر موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می‌شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، بر تولید و اقتصاد ملی نیز ضربه می‌زند. از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز، نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود؛ به ویژه آنکه الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت.»^۱

رسول خدا ﷺ در حدیثی با اشاره به این نکته می‌فرماید: «لَا يُشْبَهُ الزَّيُّ بِالزَّيِّ، حَتَّى يُشْبَهُ الْخُلُقُ بِالْخُلُقِ، وَ مَنْ

۲. الفردوس بمأثور الخطاب، دیلمی همدانی، تحقیق: سعید بن بسیونی زغلول، ج ۵، ص ۱۶۲ و ۱۶۸، به نقل از: اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، جواد ابروانی، ص ۲۸۷.

۱. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، جواد ابروانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۸۷.